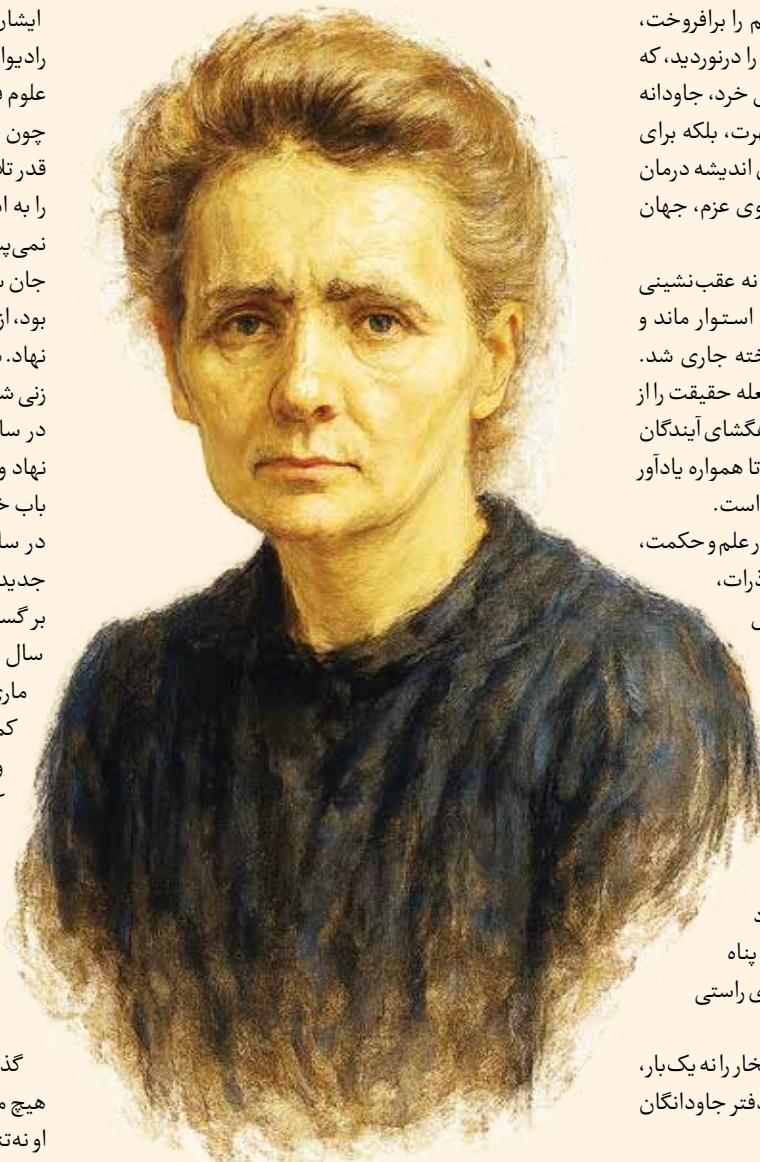


# روشن ضمیر



آن بانوی پرآوازه، آن نماد استقامت و پشتکار، آن که سایه های شک و تردید را از میان برداشت و مشعل علم را برافروخت، آن که در مسیر دانش گام زد و مرزهای نادانی را درنوردید، که نه تنها در صفحات تاریخ، بلکه در دل های اهل خرد، جاودانه شد. آن بانوی وارسته، که علم را نه برای شهرت، بلکه برای حقیقت خواست، که زخم های زمانه را با نیروی اندیشه درمان کرد، که در سکوت شب های آزمایشگاه، با پرتوی عزم، جهان را روشن ساخت.

آن بانوی پرتلاش که نه خستگی را شناخت و نه عقب نشینی را پذیرفت، بلکه در برابر سختی ها چون کوه استوار ماند و به سان رود، پیوسته به سوی افق های ناشناخته جاری شد. آن که جان خویش را در راه علم نهاد، آن که شعله حقیقت را از میان تاریکی به نور بدل کرد، آن که گام هایش راهگشای آیندگان شد، آن که یادش در ذهن تاریخ نقش بست، تا همواره یادآور باشد که علم، نیازمند عشق، ایثار، و شکیبایی است. آن جوینده بی قرار، آن کاشف اسرار، آن مشعل دار علم و حکمت، آن گوهر تابان در ظلمات جهل، آن فاتح عالم ذرات، ماری کوری رحمه الله علیها، که در میدان دانش بی همتا بود و در صبر و تحمل بی مانند. آن بانوی دانشمند، که شکیبایی را در قلب نهان داشت و عظمت را در عمل نمایان. آن صاحب عزم راسخ، که بی باکانه راه علم را پیمود و فروغ اندیشه را در جهان پراکند. آن عالم روشن ضمیر، که رادیو اکتیویته را به جهان شناساند و راه های تازه به روی آدمیان گشود. آن آموزگار حقیقت، که در دانش، جان خود را نثار کرد و در عشق به علم، جاودانه گشت. آن پناه عقل و خرد، که در قعر آزمایشگاه به جست و جوی راستی نشست و جهانی را از خواب غفلت بیدار کرد. ماری کوری، آن الگوی سرفراز علم، که نشان افتخار را نه یک بار، بلکه دو بار بر سینه تاریخ نشاند و نامش را در دفتر جاودانگان ثبت کرد.

ماری کوری، بانوی فرزانه ای که در دیار علم و دانش نامش با خطوط زرین نگاشته شده، در روزگاری دیده به جهان گشود که عرصه بر زنان تنگ بود و دست تحصیل از دامن آنان کوتاه. در آن دوران، که سرزمین لهستان تحت یوغ بیگانگان بود و اهل آن دیار از قیدوبندهای سیاسی و اجتماعی در رنج، ماری در خانه ای بالید که چراغ دانش در آن فروزان بود. پدرش، مردی دانشور که علوم ریاضی و فیزیک تدریس می کرد، در نهاد دختر خویش شوق دانستن را برانگیخت و مادرش، بانویی فرهیخته که تعلیم و تربیت دختران را وجهه همت خویش ساخته بود، او را به جست و جوی حقیقت ترغیب کرد. لیک در آن عصر، زنان را به دانشگاه های رسمی راه نبود؛ پس ماری کمر همت بست و در نهانخانه های دانش موسوم به دانشگاه پروازی به جست و جوی علم پرداخت. آتشی که در دلش افروخته بود، نه به نسیم بی مهری خاموش گشت و نه به طوفان محدودیت ها فرونشست. چون زمان هجرت فرا رسید، ماری ترک دیار گفت و به سرزمین

خاصیتی شگرف داشت و عالم علم را دگرگون ساخت. ایشان دریافته اند که این عناصر، خاصیتی اسرارآمیز دارند و رادیو اکتیویته را شناختند، که مفهوم تازه ای بود و راهی نو در علوم فیزیک و شیمی گشود.

چون خبر این کشف در سراسر ممالک منتشر شد، بزرگان علم قدر تلاش این دو را دانستند و در سال ۱۹۰۳ جایزه نوبل فیزیک را به ایشان عطا کردند. لیکن روزگار آرامش را برای نوابغ علم نمی پسندید؛ پس در سال ۱۹۰۶، پیرکوری در حادثه ای ناگهانی جان سپرد و ماری را در دریای اندوه فرو برد اما او که زنی پابدار بود، از مسیر علم منحرف نشد و همچنان در طریق تحقیق گام نهاد. در دانشگاه سوربن، مقام استادی را کسب کرد و نخستین زنی شد که در آن دیار این منزلت را از آن خود ساخت.

در سال ۱۹۱۱، این بانوی بزرگ بار دیگر در مسیر افتخار گام نهاد و جایزه نوبل شیمی را به سبب پژوهش های ژرفی که در باب خواص رادیوم و پولونیوم انجام داده بود، از آن خود کرد. در سال ۱۹۱۲، «جامعه علمی ورشو» مدیریت آزمایشگاهی جدید در ورشو را به ماری پیشنهاد داد؛ اما او قبول نکرد؛ چون بر گسترش بنیاد رادیوم متمرکز بود و می خواست تا آگوست سال ۱۹۱۴ آن را تکمیل کند. با دریافت دومین جایزه نوبل، ماری توانست دولت فرانسه را متقاعد سازد تا به بنیاد رادیوم کمک کند. در این بنیاد، تحقیقات در زمینه شیمی، فیزیک و پزشکی و دارو انجام می شد. ماری مدیر آزمایشگاه کوری در بنیاد رادیوم دانشگاه پاریس شد. سال ۱۹۱۳ ماری کوری به لهستان رفت و در ورشو مورد استقبال مردم قرار گرفت.

لیک این افتخارهایی تاوان نبود؛ سال ها تماس با مواد رادیو اکتیو، صحتش را به زوال کشانید و در نهایت، در سال ۱۹۳۴ دیده از جهان فرو بست.

اما ماری کوری نه فقط نامی ماندگار در عرصه علم برجای گذاشت، بلکه راهی برای نسل های بعد گشود و نشان داد که هیچ مانعی را یاری مقابله با عزم و اراده نیست.

او نه تنها در علوم پزشکی، فیزیک و شیمی تحولی بزرگ رقم زد، بلکه زنان را به مبارزه با تبعیض فراخواند و به آنان آموخت که هیچ حد و مرزی نمی تواند جویندگان علم را از مسیر تحقیق باز دارد. در طول جنگ جهانی اول، ماری نقش مهمی در توسعه روش های درمانی ایفا کرد. او واحدهای سیار پرتودرمانی را برای کمک به سربازان مجروح راه اندازی کرد و شخصاً در میدان های جنگ حضور یافت تا از فناوری های نوین برای تشخیص و درمان زخم ها استفاده کند. این تلاش ها باعث شد که جان هزاران سرباز نجات یابد و پزشکان بتوانند از روش های جدید درمانی بهره مند شوند.

امروزه، بسیاری از مؤسسه های علمی به نام او فعالیت می کنند و تحقیقات در زمینه رادیو اکتیویته همچنان ادامه دارد. او نه تنها مسیر جدیدی در علم گشود، بلکه الهام بخش زنان در سراسر جهان شد.

نام ماری کوری به عنوان یکی از بزرگ ترین دانشمندان تاریخ ثبت شده است و تأثیرات علمی اش همچنان در دنیای مدرن احساس می شود.

فرانسه رهسپار شد، جایی که در آنجا علم قدر می دانستند و دانشمندان را منزلت.

چون پای در سوربن نهاد، در آن مدرسه بلندآوازه به کسب معرفت مشغول شد. لیکن روزگار را رسم این بود که اهل دانش را به امتحان گیرد؛ پس در حجره ای محقر سکنا گزید، شب و روز را با مطالعه سپری کرد و در عسرت معاش، جز لذت علم نمی جست اما هیچ سختی ای او را از مسیر خود باز نداشت، بلکه هرچه پیش تر رفت، مقام علمی اش بالاتر شد و در میان دانشمندان نام آور شد.

در همین ایام، بخت یار شد و با پیر کوری، دانشمندی که همچون او در طریق معرفت قدم نهاده بود، آشنا شد. این شناخت، به یاری یکدیگر در جاده تحقیق و تفحص انجامید و این دو دست در دست هم به کشف بزرگ نایل آمدند. در سال ۱۸۹۸، پرده از راز دو عنصر ناشناخته بر گرفتند؛ یکی را پولونیوم نامیدند، به افتخار سرزمین مادری ماری و دیگری را رادیوم خواندند، که